



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد



۲۰۲۴/۰۲/۲۶

محمد نعیم بارز

## نقش اندیشه در انقلاب شکوهمند انگلستان!

«سلطنت مطلقه» با انقلاب شکوهمند انگلستان (در سال 1650م) به سلطنت مشروطه تبدیل شد، مشروطیت که اقتدار شاه را بوسیله پارلمان محدود و مشروط ساخت اما این فرانسه بود که در سال 1789 با انقلاب کبیر اساس سلطنت را برچید و «جمهوریت» را جایگزین کرد.

قبل از صنعتی شدن کشور انگلستان در دوران نظام های فیودالی قدرتی که در جنگ ها اروپا را تهدید می کرد کشور فرانسه بود، در زمان حاکمیت لوی چهارده وی نه تنها در فرانسه حاکمیت میکرد بلکه در بخش های بسیاری از اروپا و جا های دیگر قدرت مسلط بود. بعد از آن لوی پانزده توانست پنجاه سال در قدرت دوام بیاورد، فقط در زمان لوی شانزدهم بود که از بی کفایتی و خوش گذرانی های دربار کشور فرانسه رو به ضعف رفت و اعتراضات و شورش ها به راه افتاد، تا آنجا که زمینه انقلاب و اعدام شاه و ملکه ماری انتوانت از سوی پارلمان فراهم گردید. پس از آن که ناپلئون به قدرت رسید بار دیگر جنگ ها و کشور گشایی ادامه یافت و ناپلئون دو بار بحیث امپراطور قدرت را در دست داشت و امپراطور سوم نیز برادر زاده ناپلئون بود که در اثر کودتا به قدرت رسید.

دگر گونی های که در طول صد سال از 1814 تا 1914 و سقوط ناپلئون را به همراه داشت، قبل از آن در سال 1806 شهر جنوب غربی المان بوسیله ناپلئون قلع و قمع شد. بعد از آن که کنگره وین 1814 تا 1815 آغاز گردید و ناپلئون بناپارت سقوط کرده بود، نقش جهان گشایی از طرف کشور های اروپایی به الکساندر تزار روسیه پیشنهاد شد او آنرا با نهایت اشتیاق پذیرفت.

در آن زمان رقبای وی در این سیادت اخلاقی چندان توانمند نبودند، برخی از رقبای پادشاهان تشکیل می دادند مثل فرانسیس ( francis ) امپراطور اتریش. فردریک ویلهلم fredrick wwilheim از پروس. پرنس نائب السلطنه انگلستان. t hr prince Regent و لوی شانزدهم. از جمله این مردان فرانسیس آخرین فرد از امپراطوران مقدس روم بود.

ناگفته نماند لوی 16 که در اثر انقلاب فرانسه فرار کرده بود اروپای متحد او را دستگیر و دوباره به تخت نیاکانش باز گرداندند، زیرا ضعف وی برای آنها این امید امنیت را می داد که بوسیله قدرت ناپلئون از آن محروم شده بودند. نیرومند ترین این رقبای در سراسر سال های صلح بزرگ مترنخ بود که تا سال های 1848 بدست انقلابیون از مسند قدرت پائین آورده شد، اما در زمان فرمانروای اتریش وی تقریباً حکمران تمام اروپا باقی ماند.

برای اینکه از مقصد اصلی زیاد دور نشویم یعنی از «نقش فکری» که در تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تاثیر گذار بوده است و قرن هفدهم که قرن پویایی علم بود دانشمندان در همه عرصه های دانش برای گشودن مرز های نو و سنجش همه چیز بر مبنای عقل سخت در تلاش بودند، در چنین شرایطی با نگاهی به کتاب «آزادی فرد و قدرت دولت» که اساساً اندیشه های افرادی چون تامس هابز، جان لاک، جان استوارت میل و غیره مطرح است، به چکیده های از اندیشه های آنها پرداخته می شود :

تامس هابز (1679 – 1588) یکی از بزرگترین فلاسفه سیاسی در وست پورت از شهر انگلستان متولد شد پدرش کشتیش یک محله کوچک بود.

### طرح کلی فلسفه سیاسی تامس هابز!

مهمترین کتاب هابز بنام لویاتان به مفهوم (حیوان بزرگ) که مقصد دولت بوده با چگونگی شکل گیری جامعه مدنی بر مبنای رفتار عقلانی فرد انسان سر و کار دارد. هابز در این کتاب شرایط لازم برای آرامش و امنیت را بررسی

د پاپو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

می‌کند و بعد قرار داد اجتماعی و ایجاد دولت مطلوب برای این شرایط می‌پردازد و نیز تلاش خود را برای تبیین علل و جودی جامعه سیاسی بر مبنای عقلی شروع کرد. در یک جمله وی دولت را حاصل صنع بشری و بمتابه حاصل وفاق افراد جامعه می‌داند.

**جان لاک (1622-1704)** یکی دیگر از بزرگترین فلاسفه ای قرن هفدهم در سال 1622 در حومه بریستول انگلستان بدنیا آمد پدرش وکیل دعاوی در یک روستا بود. طرح اندیشه سیاسی لاک: مساله اساسی نظریه سیاسی لاک نیز مثل هابز است. حکومت مشروطه نه حکومت مطلقه، فلسفه سیاسی وی «لیبرالیسم» و در مورد «مالکیت خصوصی و مناسبات کار و سرمایه این طور اظهار نظر میکند که خداوند زمین را به طور مشترک به تمام افراد بشر داده است و افراد بشر میتوانند برای حفظ بقای خود آنچه را که لازم دارند از طبیعت بر داشت کنند».

در مورد مکتب های سیاسی اقتصادی و دین و مذهب به این نظر است که قبل از هر انتخاب، آنها باید اصول لیبرالیسم را داشته باشند یعنی آزادی در جامعه باشد تا مردم بر اساس عقل و درک منافع خود بتوانند مسایل شان را مطرح و برنامه های را که از سوی افراد و احزاب ارائه میشوند آزادانه بدون فشار انتخاب و یا رد نمایند.

اندیشه های لیبرال ژان لاک نه تنها در ایجاد دیموکراسی و دیگر تحولات قانون گذاری و سیاست و راه و روش اقتصادی انگلستان اثر گذاشت بلکه در نوشتن اعلامیه استقلال امریکا (1776) از سوی توماس جفرسون نویسنده نیز اثر گذاشت. چنانکه جفرسون اعلام میدارد که انسان ها برابر آفریده شده اند. او که خود صاحب برده بود شجاعانه از آزادی برده ها دفاع کرد و در امریکا در سال 1865 آزادی برده ها متحقق گردید. همچنان اثر پذیری افکار لاک در اصول دیموکراسی با دفاع از حقوق بشر ملزم دانسته شد و از آنجا بود که دیموکراسی توام با پذیرش حقوق بشر از امریکا به انگلستان برگشت. همچنان اعلامیه حقوق بشر و شهروندان در انقلاب کبیر فرانسه (1789) و اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوبه سازمان ملل متحد (1948) البته پیش از اعلامیه استقلال امریکا منشور های دیگری هم نوشته شده بودند که از جمله لایحه حقوق (1689) در انگلستان از حقوق اتباع و شهروندان سخن گفته شده است.

بل اثر اندیشه های ژان لاک، دموکراسی در شکل پیروزمند و قایم به ذات خود همراه با آئین حقوق بشر از ایالات متحده امریکا به عرصه جهان آمد، در انگلستان اولین نهضت همه گیر دیموکراتیک، نهضت چهار تیسستها در اصل فلسفه خود را از امریکا اخذ کردند.

تجارت آزاد: طبقه متوسط در بریتانیای کبیر بعد از اکتساب قدرت سیاسی در سال 1832 طبیعتاً برای تغییر قوانین آغاز تلاش کرد تا بدین ترتیب مردم ثروت خود را افزایش دهند.

### در فصل ۵ کتاب آزادی فرد و قدرت دولت!

در بریتانیا ریگبها و توریها دوحزبی که اشراف انگلستان را به دو قسمت تقسیم کرده بودند، در اصل به ترتیب از دشمنان و دوستان خاندان استورات تشکیل یافته بودند.

وقتی سلطنت مطلقه به مشروطیت تبدیل شد، نمایندگان طبقه متوسط قوانینی را به تصویب رساندند که به موجب آن حمایت از فقرا را در سال 1834 تصویب کرد و این حمایت در حدی بخور و نمیر بود البته بخاطر جلوگیری از انقلاب بود. بنا بر آن مردم سیه روزی خویش را با شکیبائی تحمل میکردند. گرچه گاه گاه اغتشاش های روی میداد که مهمترین آن «شورش «واپسین» در سال 1830 بود ولی سر کوب کردن آن برای دولت چندان مشکلی خلق نمیکرد.

در انگلستان در سال های 1842 از وجود کودکان در رشته های مختلف مثل بافندگی و حتی کار در معادن استفاده می شد. چنانکه یک دخترک هشت ساله گفته است: او در ساعت چهار و گاهی اوقات سو نیم صبح به معدن میرود و در ساعت پنج و نیم بعد از ظهر از آن خارج میشود. اطفال مجبور بودند در تاریکی نخ ریشی کنند، حتی یک شمع هم برای شان روشن نمیکردند.

نمایندگان طبقه متوسط قوانینی را به تصویب رساندند که به موجب آن و در پرتو قوه قضاییه مستقل مسایل مناقشات حقوقی و هر نوع دعوی افراد چه داخلی و چه خارجی بر وفق قانون حل و فصل میگردد. بدین ترتیب سرمایه گذاران داخلی و خارجی با مصونیت قانونی دارایی شان را حتی از خارج در انگلستان به کار می انداختند مثلاً مالدارانی که در کشور هالند رشد کرده بود تاجران محصولات پشم را از هالند به انگلستان انتقال داده و در فابریکه های آنجا به

پارچه تبدیل می نمودند. به این ترتیب هم صاحبان فابریکات در انگلستان نفع نصیب شان می شد و هم هالندی ها نفع می بردند، چنانکه تا امروز پشم هالندی و تکه ها پشمی انگلستان از شهرت خاصی بر خور دار هستند.

طوریکه در باب دولت نام برده شد باید گفت: کسانی دیگری نیز بوده اند که در باب چگونگی دولت و خواست رسیدن انسان به خوش بختی سخن به وفور گفته و نوشته اند از جمله راد یکال های فلسفی میشود پیرامون مکتب جرمی بنتا م (1748-1832) اشاره کرد، بنام که خواست و «غایت انسان را لذت بردن» می دید، مگر آزادی را به مثابه عامل اساسی سبب خوشبختی قبول نداشت، وی برای رسیدن به خوش بختی انسان گفته: می باید متکی به قانون بود قانونی ترتیب و اتخاذ شود که سعادت شخصی هر کس بوسیله آن تأمین شود و به موجب یک قانون عمومی است که ضمن دنبال کردن منافع شخصی به بهترین نحو اعتدای منافع عمومی را به بار می آورد و متضمن منافع عموم میشود.

این نظر الهام بخش تمام کار های خصوصی بنام شناخته شده است. اما بسیاری از نویسندگان خاطر نشان ساخته اند که یک احساس همدردی بین انسان ها وجود دارد که موجب می شود، آدمی از منظره درد و رنج دیگران احساس درد کند. بنام همینکه برهان دیموکراسی را پذیرا شد، بیش از هر یک از پیروان مکتب اش دیموکرات گردید. سلطنت و مجلس عیان را همچون نهاد های نا مطلوب بشمار می آورد، در این مورد هیچ کس جرات موافقت آشکار با او را نداشت.

زنان که در هیچ جامعه ای تا قرن بیستم حق رای نداشتند، در اثر افکار آزادی خواهان بود که زنان امریکا، انگلستان و فرانسه به ترتیب در سال های 1928، 1920 و 1944 حق رای کسب کردند و در قرن هژده زنان حقوق مدنی (حقوق انفعالی و خصوصی مانند مالکیت) را بدست آوردند. تا قرن بیست در هیچ جا زنان حق رای نداشتند.

جرمی بن تام نه تنها ضدیت با حق رای زنان را امر بی منطق تلقی کرد، بلکه دلیل و برهانی به نفع حق رای زنان را عنوان کرد، مگر هیچ یک از آن براهین به آثار چاپ شده اش منعکس نگردید است.

اما بر خلاف نظر وی «ماند ول»: در کتاب خود بنام افسانه ای زنبور عسل که در سال 1723 انتشار یافت، نه چندان جدی آئین خود را در باره رذایل فردی بلکه در جهت منافع عمومی پرورش داد و ابراز عقیده کرد که ما به سابقه یا خصلت خود خواهی ما موجب پیشرفت و خیر اجتماع میگردیم.

بعداً دیده میشود که ریکاردو چگونه نا دانسته ضربه مرگبار به آن طرز دید حقوق فردی وارد کرد که شالوده اش تضاد جنگ طبقاتی را با نوشته های مارکس و عمل کرد انقلابی لنین استالین مانو تسه دون و دیگران به بار آورد. اما ریکاردو و رفکار محبت آمیز وی نزد جوانان و به حیث یک سخنور، قابل احترام بود. علاوه بر آن نفوذ اش بیشتر از طریق نویسندگی بود. کتاب مهم او به عنوان «اصول اقتصاد سیاسی و مالیات» *the prin of political Economy* در سال 1718 انتشار یافت. این کتاب به عبارتی به صورت قانون پذیرفته شده اقتصادی در آمد. هم سوسیالیست ها و هم طرفداران مالیات واحد پیشنهاد های خود را از آن های او اقتباس کردند.

سوسیالیست ها به نظریه ارزش او تمسک جستند و طرفداران مالیات واحد به نظریه ای بهره مالکانه اش متوسل گردیدند. مهمتر اینکه ریکاردو با بحث در باره توزیع ثروت میان طبقات گوناگون اجتماع تصادفاً این امر را روشن کرد که طبقات مختلف ممکن است دارای منافع متضاد باشند.

در این ارتباط روا قیون: به این آئین که هر انسان فقط لذت خود را جستجو میکند، یک سخن نسبتاً درست است. مگر این موضوع نزد لنین و صمیمی ترین پیروان لنین در برداشت آنها از نظرات مارکس به این عقیده بودند که مالکیت خصوصی بر وسایل تولید است که باعث استثمار و بی عدالتی شده و هر گاه مالکیت خصوصی بر ابزار تولید از اختیار فرد خارج شود و به تصرف دولت در آید یعنی به مالکیت عمومی تبدیل شود و در تحت رهبری طبقه کارگر که جز نیروی کار خود چیزی در دست ندارد قرار گیرد، آن وقت استثمار فرد از فرد از بین رفته و فراوانی کالای مادی سبب از بین رفتن فقر و برقراری عدالت میشود. اما در عمل نتیجتاً دیدیم نشد که نشد. بالعکس تجربه یک قرن نشان داده است که انگیزه و رغبت در بخش خصوصی سبب فراوانی نعمات مادی و علم و دانش گردیده است.

ویژه گی های کثرت گرایی که ابتدا در جوامع صنعتی پدید آمد سر آغاز نخستین مراحل انقلاب صنعتی شد، در آن زمان در طرز تفکر مردم جوامع اروپای غربی تحولاتی رونما گردید که بر داشت ذهنی مردم را نسبت به امر حکومت داری نیز متحول ساخت، متفکرانی چون ولتر، ژان ژک روسو مونتسکیو؛ هابس؛ ژان لاک، آدمون برک، دیوید هیوم و بالاخره جان استورات میل بسیار پیشتر از مارکس و انگلس بر روشن بینی جوامع اروپایی اثر گذاشتند.

انباشته شدن آن تحولات فکری بود که در ابتدای قرن بیستم باعث ظهور جوامع کثرت گرا و ایجاد نهاد ها و تفکیک قوا در دولت های غربی بوجود آمد.

اشاره ای که به ریکاردو رفت لازم دیده میشود از آدم اسمیت به عنوان مهمترین اقتصاد دان نیز مثال آورده شود او میگوید: اگر عرضه و تقاضا به حال خود گذاشته شود، داد و ستد و بازار را رویهمرفته به سود همگانی تنظیم می کند. مفهوم عدالت اجتماعی انتقام کشی از پول دار و فقیر کردن همه و رویا رویی دارا و نا دار در جامعه نیست، چنانکه سنت مارکسیست – لنینیست ها بوده است. بلکه هدف عدالت اجتماعی در مفهوم غیر ایدئولوژیکی آن گسترش بازار داخلی است و ثبات سیاسی است که شرط اصلی توسعه میشود، گسترش خدمات به بی بهره گان است تا آنجا که انگیزه کار را از میان نبرد و بار مالیات بر تولید آسیب نرساند، منظور جلو گیری از تمرکز ثروت و قدرت در دست دولت است و آدم اسمیت باور داشت که تأمین بیشترین خوشبختی برای بیشترین کسان بزرگترین فضیلت زندگی به شمار می رود، به واقعیت که چنین هست.

با برداشت از مساله ارزش کار، فل مثل: تابلوی کار لئوناردو داوینچی یا اشخاصی چون خوانند گان مهم و مشهور، جراحان چیره دست، وکلاء دعوی متبحر، ستارگان سینما و مانند آنها را با ارزش کار افراد عادی یکسان پنداشتن غلط است، چه مثلاً مواد و ساعت کاری را که یک نقاش عادی به مصرف میرساند شاید تابلوی آن پنجاه دالر ارزش داشته باشد اما با همان مواد و ساعت کار بالای یک تابلوی داوینچی ممکن آن تابلو 50 هزار دالر ارزش داشته باشد. پس مقدار ساعت کار معیار برای تعیین ارزش محسوب شده نمی تواند.

### جان استوارت میل، پسر جیمز میل!

جان استوارت میل بل ذات فاقد احساس نبود، او به فلسفه اپیغوریان معتقد بود که باید جانب اعتدال را برای لذت بردن در زندگی رعایت کرد. مهمترین موضع میل اینست که لذایذ معنوی را بالاتر از تمام لذات مادی قرار میداد.

**جیمز میل:** وی دیموکرات و فایده گرا بود، فائده گریان فوق العاده اهل تعقل بودند و به تعقل توده های مردم نیز اعتقاد راسخ داشتند، جیمز میل گوید: «هرکس که از قوه عقل بر خور دار باشد، سبک و سنگین کردن نظر و دلیل خود را دارد و هر دلیل و برهانی که قوی باشد، رهنما و مایه ای تصمیم گیری آنها خواهد شد. در این مورد باید گفت: پیش شرط آن در جامعه آزادی است. که افراد بتوانند نظرات و خواست های شان را بدون ترس و بیم ارائه نمایند، آنگاه میشود دید که مردم قابلیت تشخیص خوب از بد را دارند یا خیر؟ یعنی نباید به این باور بود که توده های انسانی طبیعتاً جاهل و فاقد شم تشخیص منافع خود هستند.

تجارب در جوامع آزاد به داخل تشکل های صنفی و حزبی بخصوص در موقع بحث های انتخاباتی که استنتاجات گوناگونی پیش کشیده می شود، معلوم شده که از لابلای نظرات، مردم منافع خود و جامعه خود را تشخیص داده می توانند، هر چند ممکن است برخی گمراه شوند اما یک اصل قاطع اخلاقی وجود دارد که میگوید: داوری درست و بر حق دربر گیرنده بیشترین تعداد افراد است و نیرومند ترین دلیل و گواه در هر جا که باشد قوی ترین تاثیر را برجا می گذارد.

چرا از «انقلاب شکوهمند بریتانیا به مثابه نخستین کشوری که در موضوع سیاست و اقتصاد از پیش گامان جهان شناخته شده است سخن رفت؟ مقصد این بوده تا نشان داده شود که بیشتر از هر چیز حاصل اندیشه های فیلسوفان و دانشمندان بوده که باعث آن انقلاب شکوهمند و تحولات حیرت انگیز شده است. البته منبع اصلی و آغازین تفکر انسان غربی، همانا فلسفه و فرهنگ یونانی بوده که در علم حکمت و هندسه به صورت آزاد بحث می کردند، در نتیجه اندیشه های روشنگری از آنجا در سرتاسر اروپا و از اروپا به امریکای شمالی، جاپان و جاهای دیگر سرایت کرده است.

### اما چرا در کشور ما و کشورهای اسلامی راه نیافته است؟

پر واضح ست آن پشتوانه زبان و فرهنگ و فلسفه ای را که کشور های اروپایی از یونان گرفتند که به آزادی و تحولات علمی رسیدند. کشور های آسیایی و جوامع اسلامی نداشته اما پای این سول پیش کشیده میشود چطور شد که بعضی کشور های مثل جاپان و هند از غرب آن دانش را فرا گرفتند و در کشورهای خود بکار بردند، چرا افغانستان از آن بهره گرفته نتوانست؟

### به ذکر دو نکته در اینجا بسنده میکنم:

نکته (1) در زمانیکه درجهان تحولات در زمینه های مختلف صورت می گرفت افغانستان بر اساس تقسیمات جغرافیایی بحیث منطقه حایل بین مستعمرات بریتانیا و روسیه در تنگنا قرار گرفته بود و مثل یک جزیره مطرود رابطه اش با بحر قطع و با کشور های جهان بسیار محدود شد.

نکته (2) از داخل کشور حامیان دین تا جائیکه توانسته اند در میان مردم به جهل و خرافات دامن زده اند و به افکار آزاد اجازه نفس کشیدن نداده اند زیرا می دانستند که قرار گرفتن مردم و کشور با افکار آزاد و جستجوگر سر انجام منجر به از دست دادن منافع و سقوط حاکمیت شان میشود.

نکته (3) در سال های که عده ای از محصلین جهت فرا گرفتن دانش آنهم در زمینه های فنی - تکنیکی انجینیری، طب، زراعت و احیاناً حقوق و سیاست به کشور های غربی فرستاده می شدند پس از ختم تحصیل و برگشت به کشور در دستگاه بیروکراسی جذب شده و سعی شان این می شده که به مقامات حساس ارتقا یافته و از آن طریق صاحب ثروت و حیثیت شده و به زندگی شخصی و خانوادگی شان رنگ و رونق بخشند و متأسفانه محصلین افغان از مسایل ملی آنقدر بدور بوده اند که نتوانسته اند مثل کسانی چون گاندی، نهرو و شاستری در راه مبارزه و خدمت به مردم و کشور خود بر آمد کنند.

به اشتباه گرفته نشود که من در بر داشت خود صرف عامل پیشرفت جامعه اروپایی و اولتر از همه یونان و روم و بعد انگلیس و جاهای دیگر را محصول آزاد اندیشی دیده و کار توسعه اقتصادی را نادیده پنداشته ام به هیچ وجه چنانکه پیش از این در نوشته های خود در رابطه با فرهنگ و تحولات مادی و علمی کشورهای غربی و از نقش تجارت بین دو طرف بحر مدیترانه یعنی کشور یونان با کشور های آسیایی و از درک نیاز به صنعت کشتی سازی و تولیدات دیگر صنعتی و داد و ستدی که زمینه ساز رونق اقتصادی و اجتماعی در انگلستان و جا های دیگر شده نوشته و سخن گفته ام، بل اخص راجع به کشور بریتانیا که چرا زودتر از دیگر کشورهای اروپایی در جهت صنعتی شدن موفق گردیده است.

تلاش این کشور محاط به بحر برای برقراری روا بطن با کشورهای دیگر و در قدم نخست توجه در جهت صنعت چه کشتی سازی و چه صنعت سلاح سازی مثل تفنگ و توپ و چیز های دیگر ارائه نموده ام زیرا یکی از انگیزه های پیشرفت تلاش در جهت صنعتی شدن برقراری روابط تجاری اقتصادی با کشورهای خارج از بحر بوده که در نتیجه همین کشور کوچک جزیره ای بریتانیا قادر شده تا کشور پهناور مثل هند و بخش های زیاد جهان را تحت تسلط خود در آورد.

پایان